

قدس شریف پاره تن اسلام؛

نوشته شده توسط حجت الاسلام والمسلمین محسن زاده، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه ثارالله استان کرمان

بیت المقدس یکی از شهرهای تاریخی و مذهبی جهان به شمار می رود. این شهر با قدمتی که به ۳۵ قرن پیش می رسد حائز اهمیت خاص بوده است و از دیر باز کانون توجه بزرگترین ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) قرار داشته است. به همین جهت آثار و بناهای زیادی از این ادیان در مناطق مختلف این شهر به چشم می خورد. طبق برخی روایات این شهر توسط حضرت سلیمان بن داود ساخته شده است. [۱] در این سرزمین مقدس پیامبران الهی زندگی کرده و در آنجا دفن شده اند. امام باقر (ع) به محمد بن مسلم فرمودند: « هنگامی که حضرت یعقوب از دنیا رفت، یوسف (ع) او را در تابوتی به سوی ناحیه شام حمل کرده و در بیت المقدس دفن نمود.» [۲]

این شهر تاریخی، مذهبی و معنوی از آغاز ظهور دین اسلام مورد توجه قرار گرفته و به خاطر امتیازها و ویژگیهایی که داشته، از همان صدر اسلام به عنوان سومین شهر مقدس مسلمانان بعد از مکه و مدینه به حساب می آمده است. به همین جهت در این نوشتار به جایگاه و اهمیت این سرزمین الهی و مامن پیامبران آسمانی از منظر اسلام به نظاره می نشینیم.

از روزهای نخستین ظهور اسلام، مسلمانان موظف شدند تا آنجا را به عنوان قبله نخستین خود قرار داده و نمازهایشان را به سمت مسجد الاقصی و قدس شریف بخوانند. پیامبر اکرم (ص) تا هفده ماه بعد از هجرت به مدینه، به سوی قدس نماز می خواند.

روزی معاویه بن عمار از امام صادق(ع) پرسید: از چه زمانی رسول الله (ص) کعبه را قبله خود قرار داد؟ حضرت پاسخ دادند: «بَعْدَ رَجوعه من بدر و کان یصلی فی المدینه الی بیت المقدس سبعة عشر ثم اعيد الی الکعبه؛ [۳] بعد از اینکه آن حضرت از جنگ بدر برگشت و آن حضرت در مدینه ۱۷ ماه به سوی بیت المقدس نماز می خواند تا اینکه [از سوی خداوند] به کعبه برگردانده شد.» با توجه به این نکته ، پیامبر اکثر (ص) گذشته از ۱۳ سالی که در مکه به سوی مسجد الاقصی نماز می خواند، بعد از هجرت نیز تا سال دوم هجری (حداکثر حدود ۱۷ ماه) در موقع نماز و نیایشهای مذهبی بیت المقدس را قبله خود قرار می داده است؛ از این رو این شهر شریف قبله نخستین مسلمانان شناخته می شود.

محل عروج و فرود پیامبر (ص) در معراج

همچنین معراج رسول خدا(ص) از مسجد الاقصی در شهر قدس آغاز شد. خداوند متعال در این مورد می فرماید: « سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا»[۴] « پاک و منزّه است خدایی که در شب معراج بنده خود(محمد «ص») را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که پیرامونش را مبارک ساخته ایم سیر داد تا آیات خود را [در معراج] به او نشان دهیم.»

علامه طباطبائی (ره) در تفسیر این آیه می فرماید: جمله «بارکنا حوله» حاکی از این است که : مسجد الاقصی علاوه بر اینکه خود سرزمین مقدسی است، اطراف آن نیز سرزمین مبارکی می باشد و این ممکن است به برکات ظاهری آن اشاره کند؛ زیرا بیت المقدس ناحیه ای سرسبز، خرم، و مملو از درختان پر بار و آبهای جاری و آبادانیها و زیباییها است، و نیز امکان دارد اشاره به برکات معنوی آن باشد؛ زیرا این سرزمین مقدس در طول تاریخ کانون پیامبران بزرگ الهی و خاستگاه نور توحید و خدا پرستی بوده است.[۵]

نکته دیگری که در این سفر معنوی و الهی وجود دارد سیر پیامبر (ص) از مکه، مرکز اسلام به سوی بیت المقدس، مرکز ادیان توحیدی است. سید قطب می گوید: « اسراء»،

تمام ادیان توحیدی بزرگ از ابراهیم و اسماعیل تا خاتم النبیین (ع) را به یکدیگر پیوند داد و اماکن مقدس ادیان توحیدی را در یک جا متمرکز نمود؛ چنان که گویی حضرت محمد (ص) خاتم النبیین- با این سفر شبانه خود اعلام می دارد که پیام و رسالت او حاوی رسالت پیامبران قبلی و ادامه راه آنان است. [۶]

پیامبر اسلام در بیت المقدس:

امام صادق (ع) فرمود: وقتی رسول خدا (ص) را هنگام معراج به بیت المقدس می بردند، جبرئیل (ع) او را بر براق (مرکب آسمانی) سوار کرد و با هم به بیت المقدس آمدند. جبرئیل محرابهای پیامبران بزرگ را به آن حضرت نشان داد و رسول الله (ص) در آن محراب ها نماز گذارد. [۷]

رسول خدا (ص) خود نیز این سفر سرنوشت ساز را چنین گزارش می کند: من هنگام ورود به بیت المقدس براق را به حلقه ای که قبلاً انبیای گذشته مرکب خود را به آن می بستند، بستم و وارد مسجد الاقصی شدم. جبرئیل هم در کنارم بود. در آنجا ابراهیم خلیل، موسی و عیسی و عده بسیاری از انبیای بزرگ الهی به خاطر من اجتماع کرده و آماده اقامه نماز بودند. من هیچ تردیدی نداشتم که جبرئیل بر همه ما امامت خواهد کرد؛ اما

هنگامی که صفها مرتب شد جبرئیل بازوی مرا گرفته و جلو برد و من بر آنان امامت کرده و نماز خواندم.[۸] طبق این روایت رسول گرامی اسلام در شب معراج در بیت المقدس حضور یافته و با ارواح انبیای بزرگ الهی ملاقات کرده و در نماز جماعت، امامت آنان را نیز عهده دار شده است.

با توجه به اهمیت این شهر مذهبی و جایگاهی که از منظر دین مبین اسلام دارد، پیوسته مسلمانان با احترام به این ناحیه نگریسته و آنجا را بعد از مکه و مدینه سومین شهر مقدس اسلام به حساب می آوردند.

اولین مسلمانان در بیت المقدس :

در سال ۱۵ هجری (۶۳۶ م) نیروهای مسلمان، پس از فتح شام بعه سوی شهر بیت المقدس روی آوردند، آنان مدت ۴ ماه آن شهر را محاصره کردند و سختیهای زیادی را متحمل شدند تا شهر را بدون خونریزی و جنگ و کشتار تحویل بگیرند.

حاکمان شهر، که از یاری رومیها نا امید شدند و مردم شهر که از دست حکمرانان بی کفایت خسته شده بودند، پیشنهاد کردند که ما شهر را به خلیفه وقت تحویل می دهیم.

مسلمانان نیز شرط آنان را پذیرفته و به خلیفه دوم اطلاع دادند که برای تحویل گرفتن بیت المقدس به آنجا بیاید. او نیز با صلاح‌الدین امیر مومنان علی (ع) و برخی از بزرگان مدینه، به بیت المقدس آمد و ضمن ملاقاته با اسقفها و رهبران مذهبی، امان نامه ای را نوشته و رسماً بیت المقدس را تحویل گرفت.

بخشی از متن امام نامه عمر به ساکنین بیت المقدس چنین است:

این امان نامه ایست که عمر رئیس مسلمانان به مردم ایلپاء (بیت المقدس) داده است، به جان و مال و کلیسا و صلیب و مریض و سالم و همه اراد آن امان می دهد و اجازه نمی دهد که کلیساهای آنان را اشغال کنند و آنها را ویران سازند و چیزی از آنها را کم کنند. نان در مسائل مذهبی آزادند و ایشان هم نباید احدی از یهودیان را در ایلپاء سکونت دهند. مردم ایلپاء نیز لازم است مانند جاها دیدیگر به مسلمانان « جزیه » بپردازند و دزدها و رومیها را از آنجا بیرون کنند. [۹]

پس از امضای این قرارداد، مسلمانان بدون خونریزی و درگیری و در آرامش کامل وارد شدند.

پس از فتح مسالمت آمیز شهر «ایلیاء» توسط لشکر اسلام، با توجه به قداستی که قرآ»
کریم برای آن سرزمین قائل شده است و همچنین به خاطر قبله اول بودن، نام ایلیاء را به
« بیت المقدس» تغییر دادند و این شهر را که د طول زمانهای قبل از اسلام به ویرانه
تبدیل شده بود، آباد کردند.

اصحابی که در فتح بیت المقدس حضور داشتند عبارتند از « ابو عبیده جراح، معاذ بن
جبل انصاری، بلال (مودن پیامبر «ص»)، ابوذر غفاری، ابو درداء ، عباده بن صامت
انصاری، سلمان فارسی، ابومسعود انصاری، عبدالله بن سلامف سعد بن ابی و قاص،
شداد بن اوس و ... [۱۰]

جلوه ای از معماری اسلامی:

از مهمترین بناهای مذهبی در شهر بیت المقدس، مسجد الاقصی است که در زاویه شرقی
شهر و رو به قبله می باشد. این مسجد قبل از اسلام به شکل امروزی نبود؛ بلکه تمام
حرم شریف را که شامل قبه الصخره و جاهای دیگر نیز می شد مسجد الاقصی می
نامیدند.

اما امروزه این نامبر مسجد زرگی واقع در جنوب صحن حرم شریف اطلاق می شود. بناهای جدید مسجد الاقصی در سال ۷۴ ق توسط عبدالملک بن مروان شروع و در سال اول حکومت ولید بن عبدالملک (۸۶ ق) به پایان رسید. طول مسجد ۸۰ متر و عرض آن ۵۵ متر است و مساحتی به اندازه ۴۴۰۰ متر مربع را شامل می شود.

دکتر گوستاولوبون در کتا اسلام و تمدن عرب می نویسد: « مسجد الاقصی از مهمترین و شگفت انگیزترین بناهایی است که انسان ساخته و زیبایی آن تصور ناپذیر است.»

قبه الصخره یکی دیگر از آثار اسلامی در قدس شریف است. معراج پیامبر (ص) از روی همین صخره - که مکانی به طول ۱۷/۷۰ متر و عرض ۱۳/۵۰ و ارتفاع ۱/۵۰ متر می باشد. انجام پذیرفت. این بنا در سالهای ۷۳ و ۷۸ ق توسط عبدالملک بن مروان دوباره تعمیر و تکمیل شد. قبه الصخره در فاصله ۵۰۰ متری مسجد الاقصی واقع شده است. یکی از دانشمندان اروپایی می گوید: من آثار و بناهای بسیاری را در هند و اروپا دیده ام؛ اما تا آنجایی که به یاد دارم بنایی زیباتر از قبه الصخره ندیده ام. تناسب حجم ها و رنگهای این اثر بی نظیر است.

افزون بر این دو بنا، ساختمان های فرهنگی و مذهبی همچون مساجد، مدارس و آثار دینی زیادی از مسلمانان در این شهر وجود دارد که عظمت، پیشرفت و تمدن مسلمانان را در قرنهای گذشته به نمایش می گذارد.

وجود ۳۶ مسجد و آرامگاه گروهی از یاران پیامبر (ص) از جمله قبر عباده بن صامت انصاری اولین قاضی مسلمان در بیت المقدس، قبه السلسله ، بیمارستان فاطمی، بیمارستان صلاحی، قبه المعراج، مدرسه نحویه، قلعه بیت المقدس، سقا خانه شعلان، دار الحدیث، محراب داوود، مدرسه سلامیه، دار القرآن سلامیه، حمام شفا و دهها اثر دیگر تاریخی، فرهنگی علمی و بهداشتی از مسلمانان در بیت المقدس شاهد گویایی بر درایت و تدبیر و فرهنگ دوستی مسلمانان در طول حکومت بر آن شهر مقدس می باشد. [۱۱]

بیگانگان در بیت المقدس :

این شهر شریف تا اواخر قرن پنجم هجری در دست مسلمانان بود؛ اما در آن موقع بی تدبیری و سوء سیاست حاکمان مسلمان و ضعف و انحطاط و تفرقه های داخلی در میان مسلمانان، موجب شد که دشمنان اسلام کمر همت به تضعیف مسلمانان بسته و تسلط بر آنان را در سر سلوچه برنامه هایشان قرار دهند؛ به همین جهت در سال ۴۹۰ ق صلیب

ها با نیرویی کم نظیر که از سراسر اروپا جمع کرده بودند به تهاجمی وسیع دست زده و با توسل به بی رحمانه ترین روشها، بیت المقدس را به تصرف خود در آوردند؛ آنان فقط در حرم شریف، صد هزار مسلمان را به قتل رساندند. [۱۲]

در طول ۹۱ سالی که بیت المقدس و مسجد الاقصی در تصرف صلیب های اشغالگر و خونخوا بود، این مسجد رو به ویرانی گذاشته بود تا اینکه صلاح الدین ایوبی در سال ۵۸۳ ق پس از فتح عکا به سوی قدس حرکت کرد و پس از ۹۱ سال اشغال قدس به دست صلیب ها، آنجا را در ۱۷ رجب ۵۸۳ ق آزاد کرد و در جنگ تاریخی حطین کشتار عظیمی از صلیبهای خونخوار به راه انداخت. او بعد از فتح شهر در مسجد الاقصی خطبه خواند و آنجا را بعد از تعمیر و نظافت و پاکسازی با گلاب شستشو داد و منبر زیبایی نیز از شام به آنجا آورد. [۱۳]

فضائل بیت المقدس از منظر اهل بیت (ع):

فضائل و قداست شهر بیت المقدس از منظر اسلام آنچنان اهمیت دارد که دانشمندان مسلمان در این موضوع کتابهای ویژه ای تألیف کرده اند. فضائل بیت المقدس، الفتح القسی فی الفتح القدسی، الانس فی فضائل القدس، روضه الاولیاء فی مسجد الایلیاء،

تحصیل الانس لزائر القدس، الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل، نام برخی از این کتابهاست که در مورد اهمیت، فضائل و برکات مسجد الاقصی و حرم شریف قدس از منظر اسلام سخن می گویند.

در اینجا به چند حدیث از اهل بیت (ع) در مورد قدس شریف اشاره می کنیم:

۱. امیر مومنان علی (ع) فرمودند: « اربعة من قصور الجنة فی الدنيا: المسجد الحرام و مسجد الرسول (ع) و مسجد بیت المقدس و مسجد الكوفة؛ [۱۴] چهار بنا در روی زمین از کاخهای بهشتی است: مسجد الحرام، مسجد الرسول (علیه السلام)، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه. »

۲. همچنین آن حضرت در روایت دیگری نماز در مسجد بیت المقدس را با هزار نماز معاد می داند و می فرماید: « صلاة فی بیت المقدس الف صلاة؛ [۱۵] یک نماز در بیت المقدس [معادل] هزار نماز است. »

۳. ابو حمزه ثمالی از امام باقر (ع) روایت می کند که آن حضرت فرمود: « المساجد الاربعة : المسجد الحرام و مسجد رسول الله (ع) و مسجد بیت المقدس و مسجد الكوفة،

یلا ابا حمزه! الفریضه فیها تعدل حجه و انافله تعدل عمره ؛ چهار مسجد در روی زمین دارای فضیلت ویژه ای است: مسجد الحرام، مسجد پیامبر (ص)، مسجد الاقصی و مسجد کوفه. ای ابوحمزه! انجام نمازهای واجب در این مساجد معادل حج ثواب دارد و به جای آوردن نماز مستحبی (در آنها) معادل عمره خواهد بود.

۴. پیامبر اکثر (ص) به علی (ع) فرمود: یا علی! در شب معراج سه جا نام تو را در کنار نام خود دیدم و با نگاه به آن آرامش یافتم.

الف) هنگامی که در شب معراج به بیت المقدس رسیدم، در روی صخره آن نوشته بود: « لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بوزیره و نصرته بوزیره ، فقلت لجبرئیل(ع) من وزیری؟ فقال علی بن ابی طالب[۱۶]؛ خدایی جز خدای یگانه نیست، و محمد (ع) فرستاده اوست.

من او را توسط وزیرش تایید کردم و نصرت بخشیدم. به جبرئیل گفتم : وزیر من کیست؟
گفت علی بن ابی طالب.»

ب) در سده المنتهی

ج) در عرش رب العالمین

قدس و علمای اسلام:

با توجه به جایگاه ویژه و قداست خاصی که سرزمین شریف بیت المقدس در اسلام دارد، در هر زمان علمای اسلام به ویژه مراجع شیعه نسبت به این شهر حساسیت فوق العاده ای داشته اند. به همین جهت از هنگامی که بیت المقدس توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل به اشغال در آمد، تاکنون، علمای اسلام برای دفاع از حریم سرزمین های اسلامی و اولین قبله مسلمانان از خود واکنش داده و ضمن اعلام مراتب انزجار خود، مسلمانان را به دفاع از آن دعوت نموده اند.

در این خصوص فتواها و پیامهای زیادی از سوی مراجع عالیقدر شیعه همچون آیات عظام: سید محسن حکیم، سید محمد هادی میلانی، سید ابولقاسم خوئی، امام خمینی (ره) و دیگر مراجع و بزرگان صادر شده است.

در این میان سخنان و پیامهای امام خمینی(ره) از آغازین سالهای مبارزه تا پایان عمر از

درخشش ویژه ای برخوردار است.

نقل سخنان و اعلامیه ها و عملکرد علمای بزرگ اسلام درباره قدس شریف نیازمند مقاله مفصلی است که از حوصله این مقال خارج است. در اینجا فقط به مناسبت روز جهانی قدس، پیام امام خمینی (ره) نقل می شود.

اعلام روز جهانی قدس:

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حکیم فرزانه حضرت امام خمینی(ره) جرقه های امید در دل‌های مردم مبارز فلسطین زده شد؛ چرا که انقلاب ایران یک حرکت اسلامی و ضد اسرائیلی محسوب می شد و رهبر آن در ۱۷ خرداد سال ۱۳۴۶ ش به مناسبت جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل، فتوای انقلابی خویش را مبنی بر حرمت هر گونه ارتباط تجاری و سیاسی دولتهای اسلامی با اسرائیل و حرمت مصرف کالاهای اسرائیلی در جوامع اسلامی صادر کرده و موضع خود را به طور شفاف بیان نموده بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز افزون بر حمایت‌های همه جانبه جمهوری اسلامی ایران از مردم فلسطین برای آزادی بیت المقدس، با اعلام روز جهانی قدس دفاع خود را

به اوج رسانید. امام خمینی(ره) این پیام تاریخی خود را در دفاع از قدس شریف در ۱۶ مرداد ۱۳۵۸ ش صادر نموده و آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان روز قدس معین کرد. متن پیام چنین بود:

« بسم الله الرحمن الرحيم. من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم، که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به ویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه وک اشانه ایشان را بمباران می کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.» [۱۷]

این مقال را با سخنی از رهبر انقلاب حسرت آیت الله خامنه ای به پایان می بریم:

« تحقیقاً امروز در زندگی مسلمین و در آفاق اسلامی هیچ مسئله ای به اهمیت مسئله فلسطین نیست... فقط من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان « روز قدس » انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند.

غصب خانه مسلمین نیست، بلکه قضیه بالاتر از این است. مسئله این است که دشمنان جهانی اسلام، بخشی از خانه مسلمین را برای حمله به صفوف مسلمین و برای مبارزه با خواسته ها و حرکات آنها، سنگر قرار داده اند. [۱۸]

اسلام و فلسطین:

اسلام در فلسطین- مسیحیان و فلسطین- جنگهای صلیبی- ریشه تمدن اروپا- بلای استعمار انقلاب اعراب علیه دولت عثمانی اسلامی- قرار داد سایکس بیگو- و عده بالفور- عوامل تشکیل حکومت غاصب اسرائیل- حيله های استعمار- مهاجرت یهود به فلسطین- انتقال اراضی به یهود امتیازات سیاسی و اقتصادی- شورش اعراب - تقسیم هدف نهائی

اسعمار گران- همه اعراب در صف ضد تقسیم، باز هم مکر و حيله- آمريکا و دخالت
بيجا - سازمان ملل متحد يا شريك جرم مدعيان عدالت و ظلم فاحش - انگلستان فلسطين
را تخليه مي کند. اسرئيل اعلام استقلال مي کند - کمکهاي استعمارگران با اسرئيل-
مسلمانان آواره- معمای آواره گان يا روزه اميد- خطر يهود- مبارزه با اسرئيل

فلسطين در تمام روزی زمین تنها نقطه ايست که در نظر پيروان سه مذهب بزرگ
آسمانی مسلمين، نصاری و يهود، در نهايت درجه قداست و ارزش معنويست و بهمين
جهت، هميشه مورد توجه اينها بوده براي تصرف آن و زندگي در آنجا حداکثر کوشش را
می نمودند و لذا اين سرزمين بيشتتر از هر نقطه ديگر شاهد حوادث و تحولات بوده
است.

فلسطين در سینه فراخ خود از تاريخ هر يك از ملل مذکور بد و خوبي هائی ضبط کرده.
اين منطقه مقدس شاهد عظمت ها- ذلتها- تمدن ها- تعرض ها - جنگها- صلح ها- فتحها-
شکست ها- عدلها- ستمها بوده و همه حوادث را براي معرفي اقوام و ملل مختلف براي
ما به يادگار ضبط کرده است و در پرونده هائی که باسم هر يك از اين ملل براي تفاوت
باز شود می تواند صادق گويائی باشد.

اسلام در فلسطین:

فلسطین از هفتصد سال قبل از ورود مسلمین به عنوان جزئی از منطقه شام زیر سلطه حکومت رومیان بوده و در زمان طلوع اسلام در اثر محاربات پی در پی که بین روم و ایران در می گرفت وضع بسیار آشفته و متزلزلی داشت.

مسلمین با نشاط و تازه نفس به آسانی این سرزمین را از دست رومیان گرفتند، پیغمبر اکرم(ص) در اواخر عمر خود لشکری بریاست اسامه بن زید برای فتح شام تهیه دید ولی قبل از آنکه لشکر حرکت کند حضرت وفات نمودند، سپس ابوبکر به این منظور لشکری اعزام نمود این لشکر قسمت های جنوبی شامات را گرفتند، و بعد قسمتهای شمالی هم جزء متصرفان اسلامی در آمد.

تواریخ مسلمین و غیر مسلمین ورود مسلمین را در این منطقه و رفتار آنان را با ملت مغلوب بسیار ستوده اند، ما برای نمونه چند جمله از نوشته های دیگران را می نویسیم.

دکتر گوستاوبون مستشرق معروف مسیحی فرانسوی در کتاب « تمدن اسلام و عرب »

صفحه ۱۵۸ چاپ چهارم می گوید:

« عمر با معدودی وارد شهر بیت المقدس شد از سفر و نیوس بطریق خواست که با هم رفته مقامات مقدسه را زیارت کنند و امر کرد منادی ندا کند که حفظ اموال و معابد این شهر را ما خود عهده دار هستیم حتی مسلمین مجاز نیستند در کلیساها نماز بخوانند.

مسیحیان و فلسطین:

نصاری از اینکه سرزمین مقدس فلسطین تحت تصرف مسلمین بود و بین آنان و قبر معبودشان (اینها معتقدند که عیسی(ع) کشته شد و در بیت المقدس مدفون است) جدائی افتاده بود بسیار نگران و مضطرب بودند تعصبان مذهبی حسد و کینه نسبت به مسلمین و عوامل دیگری آنها را برای یک حمله آماده می کرد گر چه مسلمین اغلب مانع آمد و رفت آنان و زیارت اماکن مقدسه نمی شدند مخصوصاً از زمان هرون الرشید که بین او و شارلمان امپراطور فرانسه روابط حسنه برقرار شد نصاری خیلی آزادانه دسته جمعی و انفرادی به بیت المقدس می آمدند و همیشه از خوشرفتاری مسلمین برخوردار بودند.

در آن اواخر تغییر وضع اخلاقی مسلمین مخصوصاً خشونت ترکهای صاحب فلسطین از یک طرف و شرارت و بی ادبی و وحشیگری زائرین نصرانی که اغلب آنها مردم شریر

و آلوده ای بودند که تحت تعلیم کشیشها زحمت، سفر فلسطین را برای امحاء گناهان خویش متحمل می شدند، باعث برخوردهای شدیدی بین مسلمین و این زائرین شرور می گردید؛ بی تربیتی، وحشیگری، تعصبان مذهبی جراحت دیده، کینه و حسد مسیحیان از یک طرف، خشونت، غرور، قدرت همراه احساسات دینی مسلمانان از طرف دیگر مرتباً صحنه های فجیعی که اغلب یا همیشه ذلت و شکست مسیحیان را نتیجه می داد ایجاد می کرد.

گوستاولیون می گوید یکی از زائرین بنام پیر ارمیت که سابقاً سپاهیگری داشته و اخیراً خود را تارک دنیا معرفی کرده بود و در صف رهبانان انجام وظیفه می نمودند و در فلسطین شاهد یکی از صحنه ها بود تحت تاثیر شدید واقع شده ب فکر انقلابی عظیم علیه مسلمین فلسطین افتاد، برای این منظور از بهترین راه که زمینه موجود داشت یعنی عواطف مذهبی تقریباً تحریک شده نصرانیت، وارد عمل شد با نطق ها، گریه ها و ملاقات ها و پشت سر هم اندازیها اربابان کلیسا، سران سپاه ها و حکومت های اروپا را با خود همراه نمود.

جنگهای صلیبی:

سرانجام با شرکت اغلب اصناف و اقوام اروپا لشکر عظیمی به تعداد یک میلیون و سیصد هزار نفر تهیه شد و در سال ۱۰۹۶ میلادی برای نجات بیت المقدس عازم فلسطین گردیدند، این ردیای بیکران جمعیت که گویا همه اروپا بطرف آسیا در حرکت است، بسیار بی نظم و ترتیب در حرکت بود در بین راه دوست و دشمن در نظر آنان فرقی نداشت، همه کس را غارت می کردند ، می کشتند، به دریا می ریختند، آتش می زدند مثله می کردند و خلاصه بقدری جنایت و خیانت از آنها سر زده که تمام مورخین مسیحی از اعمال و حشیانه آنها اظهار شرم و نفرت می کنند.

به گفته دکتر گوستاولبون « اینها در آسیای صغیر نسبت به مسلمانان و عیسویان فجایع و حرکات وحشیانه ای مرتکب شدند که در بیان آن غیر از این چیزی نمی توان گفت که اینها حقیقتاً دیوانه شده بودند»

و نیز از آنکومنن دختر شاه قسطنطنیه نقل می کند که منجمله از تفریحات این مجاهدین این بود، هر طفلی که در جلوشان پیدا می شد با حربه دو نیم کرده و در آتش می سوزانیدند.

گوستاولبون

با این همه جنایت پس از سه سال در تاریخ ۱۰۹۹ بیت المقدس را فتح نمودند ولی از یک میلیون و سیصد هزار جمعیت آنها فقط بیست هزار نفر باقی ماندند و بقیه در اثر جنگهای داخلی مرضهای طاعون و وبا قحطی های غرب در دریا و برخوردهای شدید با طوایف و قبائل مسلمان و غیر مسلمان در بین راه تلف شدند، خلاصه دنیای مسیحیت در این جنگ با دادن یک میلیون و دویست و هشتاد هزار قربانی و از دست دادن آبرو بیت المقدس را از دست مسلمین بیرون آورد.

مسلمین فرصت را غنیمت شمرده بفر استرداد فلسطین افتادند و مشغول جنگ شدند، از اینجا جنگ دوم صلیبی شروع می شود اروپا هر چه نیرو و قدرت داشت یکی پس از دیگری بطرف آسیا به منظور حفظ بیت لامقدس فرستاد و همه آنها در لابلای سنگهای عظیم آسیائی که بقدرت اداره مسلمین میچرخید شدند بدین ترتیب هشت جنگ عظیم که تاریخ آنها را به نام جنگهای صلیبی ضبط کرده است واقع شد و سرانجام پس از ۸۸ سال پایه های لرزان حکومت صلیب در فلسطین بدست سردار رشید اسلام امیر صلاح الدین ایوبی در هم ریخت و بنا حکومت آنان برای همیشه بر سرشان خراب گردید و با کمال ذلت و خجالت به بیغوله های خویش در انگلستان و فرانسه و آلمان ... برگشتند و مسلمین از سال ۱۱۸۷ میلادی برای دومین بار حکومت اسلامی را در فلسطین بنا نهادند

و عیسویان و یهودیان هم زیر پرچم عدل آنها مشغول زندگی شدند.

رشد تمدن اروپا:

گر چه حمله به فلسطین برای اروپائیان بسیار گران تمام شد و علی الظاهر شکست مفتضحانه ای همراه از دست دادن حیثیت خویش خوردند، ولی با اعتراف محققین اروپائی همین تماس با مسلمین و آشنائی با فکر و کار مسلمانان آنها را در راه تکامل و تمدن امروزیشان انداخت و پس از مراجعت از فلسطین با استفاده از مبانی اجتماعی اقتصادی و سیاسی اسلام زندگی تازه ای را شروع کردند.

در صفحه ۴۲۰ می گوید: بدیهی است این ارتباط دویست ساله مشرق و مغرب برای تمدن اروپا عامل موثری بوده است چون در آنوقت مشرق از برکت اسلام اعلی درجه ترقی را دارا بوده و بر عکس اروپا در ظلمت توحش و بربریت فرو رفته بود.

عوامل تشکیل حکومت غاصب اسرائیل:

قرنها بر یهود گذشت در حالیکه در اطراف عالم متفرق و متشتت زندگی کرده و معمولاً

با وضع اجتماعی نامطلوبی بسر می بردند عده ای از شخصیت‌های یهود تصمیم گرفتند که بین افراد متفرق یهود ارتباطی ایجاد کنند، به امید اینکه قدرتهای پراکنده آنان روزی در نقطه ای متمرکز گردد و بوضع اسف بارشان سرو سامانی دهد.

در سال ۱۲۸۶ اولین اجتماع عده ای یهودی در تشکیل گردید و در آن جلسه بنای حزبی جهانی بنام صهیونیسم بین الملل گذرانده شد سپس فکر تشکیل حکومت یهودی مطرح گردیده و بعد از مذاکره زیاد تصمیم گرفتند که مقدمات تشکیل حکومت را در فلسطین درست نمایند و برای شروع کار بنا شد که افراد یهود حتی الامکان به فلسطین مهاجرت نمایند و هر مقدار که میسر بشود از اراضی آن سرزمین خریداری نمایند.

پس از ارزیابی مختصری که از قوای پراکنده یهود نمودند، به آن نتیجه رسیدند که در ممالک بزرگ دنیا مخصوصاً آمریکا و اروپا قدرت های اقتصادی قابل توجهی در اختیار دارند و می توانند با متشکل کردن این نیرو دستگاه های حاکمه ممالک بزرگ را تحت نفوذ قرار داده و از آنها در راه رسیدن به هدف استفاده کنند.

در قدم اول در مقابل پول هنگفتی که به سلطان عبدا لحمید امپراطور عثمانی وعده کردند از او تقاضا کردند که اجازه توسعه فعالیت در منطقه فلسطین به آنها داده شود ولی

سلطان عبدالحمید آنها را جواب داد، ولی کم مهاجرت شروع شد و خریداری زمین هم رفته رفته انجام می گرفت.

برای جلب همکاری دولت های بزرگ نقشه نفوذ در دستگاه حکومت آنها به مرحله عمل گذاشته شد، قبضه وسائل تبلیغاتی و بدست گرفتن منابع اصلی اقتصادی در راس برنامه آنها قرار داشت با پول فراوانی که یهودهای محترک داشتند خیلی با هدف فاصله نداشتند طول نکشید که در ایالات متحده آمریکا در دستگاه های تبلیغاتی نفوذ فوق العاده ای پیدا کردند.

کتاب خطر جهود صفحه ۱۸ می نویسد بسیاری از مطبوعات آمریکا یا مستقیماً در دست یهودیان اداره می شد و یا با پولهای زیاد مدیران آنها را خریده بودند و حدود دویست دستگاه پخش صوت در اختیار داشتند و صدها کمیته و انجمن همکاری ایجاد کرده بودند»

پیداست با چنین وسائلی افکار ملت بزرگ آمریکا را هم قبضه کرده بودند و از لحاظ اقتصادی روزنامه البلاد چاپ بغداد در یکی از شماره های خود نوشته بود که در اغلب شرکتهای مهم آمریکا سهام زیادی دارند منجمله در کمپانی نفتی بزرگ استاندارد اویل

نیوجرسی ۵۵ در صد سهام می باشند و در شرکت نفتی تکزاس ۶۳ درصد از منافع مربوط به آنها است با این دو قدرت مالی و تبلیغاتی که داشتند در مبارزات انتخاب رئیس جمهور به نفع ترومن کاندید حز بوارد کار شدند و خدمت های شایانی در راه موفقیت او انجام دادند و ترومن که موفقیت خود را مرهون خدمات یهودیان می دید قول مساعدت و همکاری با آنها داده و بعداً هم خیلی خوب عمل نمود.

د اروپا که دولتهای آن بیشتر به پول احتیاج داشتند سازمان صهیونیستی دست به کمکهای فراوان مالی زده و در قسمتهای مختلف حساس مشغول سرمایه گذاری شدند.

و تا آنجا که دستشان بند می شد در پست های حساس ممالک بزرگ افراد یهود را بکار و امید داشتند، که در مواقع لازم از وجود آنها استفاده شود، روزنامه البلاد نوشت که ۳۸ درصد از کارمندان دولتی آمریکا یهودی هستند.

با این مقدمات، همکاری و پافشاری دول استعماری در راه تاسیس حکومت صهیونیستی در فلسطین بسیار طبیعی به نظر می آید.

حیله های استعمار:

پس از جنگ جهانی اول انگلستان به عنوان مملکت فاتح (که طبق نظریه سازمان ملل که دولت فاتح حق سرپرستی و قیمومیت دارد) سرپرستی فلسطین را به عهده داشت و کارهای اداری و نظامی در دست او بود، این قیم عادل و سرپرست دلسوز و مهربان! پس از تسلط کامل با همفکران استعمارچی خود تصمیم می گیرند که خو.استه های یهود را عملی سازند.

ابتدا از مردم فلسطین سرشماری به عمل آوردند، معلوم شد با همه کوششی که در ظرف سی سال یهودیها برای مهاجرت فلسطین نموده اند فقط شش درصد از مردم فلسطین یهودی می باشند، البته با این اقلیت بسیار ضعیف نمی شود نقشه استقلال یهود عملی گردد، زیرا مقدرات مملکتی که نود و چهار درصد آن مخالف سرسخت رژیم آن باشند به هیچ وجه قابل اداره نیست.

لذا به فکر توسعه نقشه مهاجرت یهود و انتقال اراضی، و سپردن منابعه اساسی اقتصاد و پست های حساس مملکت به صهیونیست ها افتادند.

مهاجرت یهود به فلسطین:

هر چند تاریخ شروع مهاجرت بلافاصله پس از جلسه حزب صهیونیست می باشد ولی در طول این مدت هجرت بصورت بسیار محدودی انجام می شد؛ ولی پس از این سرشماری، دولت بریتانیا یکنفر یهودی را به ریاست اداره مهاجرت فلسطین انتصاب نمود و تسهیلات فراوانی برای هجرت و قبول تبعیت فلسطین قائل شد، از این به بعد سیل مهاجرین یهود از اطراف بطرف فلسطین سرازیر گردید و اغلب مهاجرین جوانان یهودی بودند که توسط کمیته های صهیونی قبلاً مسلح می شدند و سپس هجرت اختیار می کردند.

کاتاریواسی یهودی در کتاب اسرائیل می نویسد در سال ۱۲۹۷ عده یهود فلسطین فقط ۴۷ هزار نفر بوده اند و همین کتاب آمار یهود فلسطین در آذر ماه سال ۱۳۳۷ یک میلیون و هشتصد و ده هزار نفر می نویسد البته اغلب این جمعیت در ده سال پس از انقلاب اسرائیل هجرت کرده اند و در زمان سی سال سصرپرستی انگلستان تقریباً ششصد هزار نفر یهودی که اغلب جوانان مسلح بودند به فلسطین آمدند.

شورش اعراب:

طبیعی است که این طرفداری های صریح از یهود و پامال کردن حقوق اعراب، برای مردمی که علیه یک حکومت اسلامی بخاطر همین امتیازات بیجا و ناروا انقلاب برپا کرده اند و اکنون وضع ناگوارتری را آن هم از دست یک حکومت اجنبی می بینند، قابل تحمل نیست.

مظالم حکومت استعماری انگلستان و وحشت از نفوذ فوق العاده یهود، اعراب مسلمان و مسیحی را برای انقلاب مهیا کرد مجالس شور و کمیته های دفاع در اغلب شهرهای فلسطین برپا می شد و برای مبارزه با این مظالم نقشه هائی طرح و اجرا می شد و شورش هائی علیه دستجات یهود و تظاهراتی علیه حکومت رخ می داد ولی اغلب با دخالت پلیس انگلستان به نفع افراد یهود، به نتیجه نمی رسید، در خلال دهسال اول سرپرستی؛ شورشهای کوچک در شهرهای فلسطین علیه یهود و هیئت حاکمه صورت می گرفت و پس از خاموش شدن مذاکراتی که اغلب بی نتیجه بود انجام می شد.

در سال ۱۹۲۹ م انقلاب نسبتاً عظیمی در فلسطین رخ داد و تقریباً همه مردم فلسطین در این انقلاب همراه بودند ولی باز با حيله های انگلستان و دخالت سازمان ملل متحد انقلاب خاموش گردید.

رفته رفته سوء غرض دولت بریطانیا آفتابی می شد، و بغض های متراکم در قلوب اعراب با نفجا نزدیک می گردید و آمد و رفت ها و مذاکرات ، معمولاً خنثی و بی اثر می ماند؛ جمعیت های مختلف اعراب در تمام فلسطین بهم پیوستند وک میته عالی آن به ریاست محمد امین الحسینی مفتی اعظم فلسطین تشکیل گردید، و در سال ۱۹۳۶ دستور اعتصاب عمومی صادر گردید.

این اعتصاب، بسیار عالی و حاد انجام گرفت، زنان، مردان، تجار، کیسه جزء صنعتگران، مدارس ، رانندگان وحتی بسیاری از زندانیان دست باعتصاب زده و علیه یهود و بریطانیا به تظاهر پرداختند ، در راه های اهن، لوله های نفت، تشکیلات دولتی، پلها، سیمهای برق و تلفن و چوبهای تلفن و برق و بخرابکاری پرداخته و به دستور کمیته عالی از پرداختن مالیاته و اطاعت قوانین حکومت خودداری نمودند مردم سایر کشورهای عربی هم در این شورش کمکهای بزرگی کردند، علی رغم تهدیدها و فشارهای انگلستان آتش انقلاب هر دم شعله ور و دامنه شورش و سیعتر می شد، و دیگر گوش مردم فلسطین به وعده های دروغ ارباب استعمار توجهی نداشت خلاصه عرضه را کاملاً بر استعمارگران تنگ کرده بودند.

مکاران استعمارچی حيله جدیدی بکار بستند، برای خاموش کردن شورشیان سران

کشورهای عربی را واسطه نمودند.

تلگرافاتی از جانب عبدالعزیز سعودی شاه حجاز ملک غازی سلطان عرب، امام یحیی پادشاه یمن و امیر عبدالله حاکم اردن بیک مضمون به کمیته عالی فلسطین رسید و همه اظهار اطمینان و امیدواری کردند که انگلستان مصمم است خواسته های اهالی فلسطین را برآورد، کمیته بانظران سران انقلاب دستور آرامش صادر کرد.

و بدین ترتیب اعتصاب و انقلاب عظیم ۱۹۳۶ پس از شش ماه، با دادن بیش از هزار شهید و متجاوز از سه هزار زندانی بازر شکست و خواسته های اعراب توسط سران کشورهای عرب، به شرح ذیل بدولت بریطانیا گزارش داده شد:

۱. بطور کلی از مهاجرت یهود به فلسطین اکیداً جلوگیری شود.

۲. اراضی فلسطین به هیچ وجه به یهود منتقل نگردد.

۳. به حکومت سرپرستی انگلستان خاتمه داده شود و حکومت مستقل عربی تشکیل گردد.

همه اعراب در صف ضد تقسیم:

اعلان نقشه تقسیم فلسطین، طوفانی بود که امواج عظیم خشم و غضب و نفرت عموم اعراب بلکه مسلمین جهان را علیه یهود و بریطانیا به جوش و خروش در آورد، همه دولتهای عربی رسماً اعلام کردند که حادثه فلسطین مخصوص مردم آن دیار نیست؛ بلکه یک مسئله عربی است و همه در آن سهیم اند.

به منظور هماهنگ کردن فعالیت های اعراب مجلسی با شرکت نمایندگان مصر، عراق، سوریه، لبنان، اردن فلسطین و بلاد مغرب در سوریه تشکیل گردید، و پس از مذاکره برای نجات فلسطین اقدامات دامنه داری شروع کردند و بلافاصله از تمام ممالک عربی افراد مسلح بصورت داوطلب بخاک فلسطین وارد گردیدند و انصافاً در راه نجات فلسطین مجاهدت کافی نمودند و عرصه را بر انگلستان و مخصوصاً یهود در فلسطین تنگ کردند و با دادن تلفات زیاد و تلف کردن بسیاری از قوای ظالم استعمار، انگلستان را بصورت ظاهر مجبور به عقب نشینی کردند.

باز هم مکر و حيله :

انگلستان در ۹ نوامبر ۱۹۳۸ اعلام نمود؛ عملاً اثبات شد که فکر تقسیم فلسطین قابل اجرا نیست و لذا از این فکر صرف نظر کردیم و برای حل نهائی مشغول پیدا کردن راه دیگر که به منافع اعراب برخورد نداشته باشد هستیم.

روح مطلب این است که برای محکم کردن جای پای یهود در فلسطین احتیاج به مدت طولانی احساس شده بود و همه این مذاکرات اعزام بازررس و عده ها وسائلی بود که عربها را سرگرم کنند و در پشت پرده به شدت مشغول انجام نقشه بودند؛ بیست سال را به همین طریق گذراندند و مقدار زیادی هم به هدف نزدیک شده بودند.

در تعقیب همان حيله گذراندن وقت و سرگرم کردن اعراب، وزارت مستعمرات انگلستان سران عرب و یهود را به عنوان حل مشکل فلسطین به لندن دعوت نمود، و روز هفتم فیبریه ۱۹۳۹ اولین جلسه با شرکت نمایندگان عراق، مصر، اردن و یمن تشکیل گردید، پس از چندین جلسه و گفت شنود، انگلستان یک تعهد رسمی با اعراب داد که دولت عربی مستقلی در فلسطین تشکیل شود، ولی ریشه مکر اینجاست که با لطائف الحیل اعراب را قانع نمود که این عمل احتیاج به ده سال وقت دارد که کم کم حکومت را بدست آنها واگذار نماید و تعلیمات لازمه را درباره مسائل مملکت داری بگیرند و برای اداره مملکت پرورش کافی یابند، و بعداً معلوم شد که این مهلت طولانی برای تحکیم وضع بین

المللی یهود بوده است.

کمکهای استعمارگران به اسرائیل:

تعبیر بلفظ «کمک» در مورد این دولت پوشالی مخلوق استعمار، و برای مصالح استعمار است، با اینکه تعبیر نارسائی است، ولی لفظی هم غیر از این برای عنوان این فصل به نظر نمی رسد، در این جا بچند نمونه از خدماتهای علنی آنها اشاره می شود:

۱. پس از اعلان استقلال، بلافاصله دولت آمریکا، اسرائیل غاصب را به رسمیت شناخت و تا آنجا که تیغش می برید بدول دیگر هم توصیه نمود.

۲. دو ماه بعد، همین دولت توسط بانک توسعه صادرات در تاریخ ۱۳۲۷/۴/۲۹ صدر میلیون دلار به اسرائیل کمک نمود، در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۵۲ هاندرسن نماینده رسمی وزارت تجارت امریکا اعلان کرد که مجموع کمکهای بلاعوض و وام آمریکا در چهار سال بین ۱۹۴۸ و ۱۹۵۲ به اسرائیل هزار میلیون دلار است.

۳. در تاریخ ۱۳۲۸/۲/۲۱ یکسال پس از اعلان استقلال با همه مخالفت هایی که از

طرف دول مسلمین و رفقاییشان می شد، با فشار دول قوی؛ اسرائیل را به عضویت سازمان ملل پذیرفتند.

۴. وزرای خارجه آمریکا، انگلستان، فرانسه، در سال ۱۳۲۹ دو سال پس از استقلال اسرائیل و تجاوزاتش برای تثبیت مرزهای او کنفرانسی در لندن تشکیل داده، مرزهای موجود خاورمیانه را به رسمیت شناخته و تضمین نمودند.

۵. حزب مפור بهائی را که آن ساخته خودشان است و ادار کردند که عکای اسرائیل را مرکز فعالیت قرار داده و در همه جای دنیا این دو حزب میثوم و مفسده جورا بهمکاری و ادار می نمایند.

۶. تا موقعی که از خطر نفوذ شوروی در خاور میانه نمی ترسیدند، یا با اعراب اسلحه نمی دادند و یا اسلحه هائی می دادند که در موقع دعوی منجر به شکست آنها می گشت، و از موقعی که خطر شوروی احساس شد، یا اینکه سیل اسلحه را بسوی اعراب سرازیر کرده اند، همیشه یک نوع جدید اسلحه به اسرائیل می دهند که در ارتش اعراب نباشد.

این روزها که خبر کارخانه جهت سازی مصر و خبره موفقیت مصر در ساختن موشک

و سلاح های اتمی و میکروبی به همکاری کارشناسان نظامی آلمان فدرال، پخش شده ،
دول غرب هم اعلان نمودند که به بهانه حفظ موازنه در خاومیانه ف موشک به اسرائیل
خواهند فروخت .

روزنامه اطلاعات در شماره ۱۱۰۵۷ و رادیو ایران در اخبار تاریخ ۱۳۴۲/۱/۱۴ این
خبر را به صورت تصمیم آمریکا پخش کردند ولی رادیو صدای آلمان در برنامه فارسی
۱۳۴۲ ر // ۱۵ فاش کرد که قرار تحویل موشک بین اسرائیل و آمریکا منعقد شده و
کندی رئیس جمهور آمریکا هم در مصاحبه مطبوعاتی مورخ ۴۲/۱/۱۶ با این موضوع
اشاره کرد.

آوارگان :

یکی از اسف بارترین آثار شوم غصب فلسطین، حادثه آوارگی و ویلانی بیش از یک
میلیون نفر از مسلمانان مظلوم است؛ اغلب اینها در اثر حمله هائی که در همان اوائل
استقلال اسرائیل به شهرها یا دهان و یا محله های عرب نشین می شد مجبور به ترک
تمام هستی خود شده و به کشورهای دیگر یا منطقه عربی فلسطین گریخته اند، اینها که
تمام موجودی خود را در دست دشمنان رذل خود گذاشته اند، خود با دست خالی با فقر و

شیرین پدرانہ ای متوجہ اسرائیل می کنند.

در یکی از دورہ های شورای سیاسی سازمان ملل کہ مخصوص رسیدگی بہ وضع آوارگان فلسطین تشکیل شدہ بود و نمایندگان دول عرب در آن شرکت داشتند، پس از آنکہ گزارشات رئیس آژانس دستگیری پناہندگان مستر «دیفنر» دربارہ وضع پناہندگان قرائت شد، آقای اکرم زعیترا نائب رئیس ہیئت اعزامی اردن، نطق پرشور و غرائی ایراد کردند کہ در اینجا ترجمہ آن را از نظر خوانندگان می گذرانیم تا بدانند کہ برادران مسلمان آوارہ نان کہ دار و ندار خود را پشت سر خود در دست یهودیان گذاشتہ اند و خود در نہایت فلاکت و نکبت و بدبختی در بیابان ها و صحرایا و خیمہ ها و داخل غازہ ها و اطاق های چوبی و غارها بسر می برند و از مجرای صدقت ملل عالم کہ توسط سازمان ملل بہ آنها دادہ می شود با زندگی برزخ میان بسترهای وحشی و متمدن می گذرانند چگونه زندگی می کنند و چه می خواهند؟

آقای رئیس!

نمایندگان اردن پیش از آنکہ در حاشیہ گزارشات و نظرات آقای «دیفنر» رئیس آژانس دستگیری پناہندگان صحبتی کنند خاطر آن جناب و سایر حضار را مستحضر می دارند

که: اردن غیر از اینکه عضو مجموعه دنیای عرب است که حادثه فلسطین را حادثه خویش می دانند، تعداد ۶۳۰/۷۲ نفر از آوارگان فلسطینی را که تقریباً ثلث مجموع جمعیت اردن

۳۴۳۴ می باشند پناه داده است و این بار بر دوش او سنگینی می کند.

ما بیش از هر کس از این فاجعه خسارت دیده ایم و بیش از همه با آوارگان تماس داریم و لذا بهتر از دیگران از وضع آنان و مکنون ضمیر و خواسته های آنان مطلعیم.

[۱] التذهیب، ج ۶، ص ۲۲

[۲] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۶۴

[۳] همان، ج ۴، ص ۲۹۸

[۴] اسراء، ۱

[۵] المیزان، ذیل آیه

[٦] فى ضلال القرآن، ج ١٥ ، ص ١٢، به نقل از بيت المقدس، ص ٦٢.

[٧] الميزان، ج ١٣، ص ١٧.

[٨] همان، ص ٨

[٩] تاريخ طبرى، ج ٣، ص ١٠٤

[١٠] همان؛ بيت المقدس شهر پيامبران، ص ٢٧

[١١] بيت المقدس شهر پيامبران، ص ١١٨؛ تاريخ قبه الصخره المشرفه، ص ٧٥؛ تاريخ

بيت المقدس و مسئله فلسطين، ص ٤٣.

[١٢] بيت المقدس شهر پيامبران، ص ٥١

[١٣] همان

[١٤] وسائل الشيعه، ج ٥، ص ٢٨٣

[١٥] من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٧١

[١٦] النهايه، شيخ طوسي، ص ١٠٨

[١٧] صحيفه امام، ج ٩، ص ٢٦٧

[١٨] ماهنامه كوثر، ش ٤٥، ص ٣٤